

معرفی کتاب خارجی

دوران تکوین تشیع دوازده امامی: حدیث به مثابه گفت و گوی بین بغداد و قم

○ نادر خبازی دولت آباد

O The formative period of Twelver shii'sm, Hadith
as discourse between Qum and Baqhdad

O Anderw J.Newman

O curzen, 2000

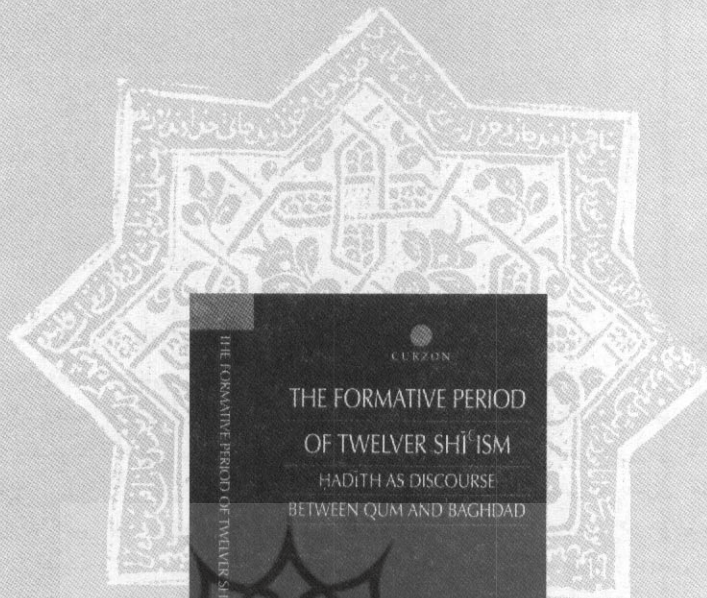
○ دوران تکوینی تشیع دوازده امامی: حدیث به مثابه گفت و گوی

بین بغداد و قم

○ تألیف: آندره، جی، نیومن

○ انتشارات: کوزن، سال ۲۰۰۰، ۲۶۱ ص

دانش حدیث پس از قرآن کریم از معتبرترین و مقدس ترین منابع مسلمانان به شمار می رود. شیعیان از همان آغاز پایه گذار و مروج دانش های اسلامی و به خصوص علم الحدیث بوده اند و مهم ترین دلیل برای گرایش و تمسک مسلمانان و به ویژه شیعیان به قرآن و سنت و سیره ائمه معصومین (ع)، حدیث مشهور «تقلین» از رسول الله (ص) بوده است که در آن پیامبر از اهل بیت خود به عنوان یکی از دو امانت مهم خویش نزد مسلمانان یاد می کند. لذا بعد از رحلت رسول الله، شیعیان در حفظ و انتقال احادیث آن حضرت و اهل بیت ایشان تلاش کردند. با اندکی تأمل در می یابیم که ایرانیان پایه گذاران علم الحدیث بوده اند و در ترویج آن نیز نقش به سزایی داشته اند. وجود محدثان بزرگ شیعی و سنی ایرانی چون شیخ صدوق، شیخ کلینی و ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری شاهد این مدعا است. محققان جدید نیز در دهه های گذشته علم حدیث را عرصه پژوهش و تحقیق خود قرار داده اند، و به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با رونق گرفتن مطالعات شیعی، تحقیق و پژوهش در زمینه حدیث نیز به صورت منسجم درآمد.



از مهم‌ترین آثار تازه غربیان در زمینه مطالعات شیعی، می‌توان به کتاب جانشینی حضرت محمد(ص) اثر ویلفرد مادلونگ در سال ۱۹۹۶ و کتاب راهنمای الهی در تشیع اولیه^۱ اثر امیر معزی در سال ۱۹۹۴ اشاره کرد که شکل‌گیری اولیه اجتماع شیعی و ماهیت تعالیم آن را به بحث و بررسی گذاشته‌اند.

کتاب آندره نیومن برای نخستین بار به مقایسه توصیفی سه متن اصلی مجموعه احادیث قرون سوم و چهارم پرداخته است. این سه متن عبارت است از: المحاسن احمد بن محمد البرقی (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق.)؛ بصائر الدرجات محمدبن حسن الصفار قمی (متوفی ۲۹۰ ق.)؛ و الکافی فی علم‌الدین محمدبن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹ ق.). مطالعه اثر نیومن خواننده را با تاریخ اجتماعی جامعه نوپای شیعه دوازده امامی آشنا می‌سازد. این کتاب، نخستین مطالعه جدی چند مجموعه حدیث شیعی، حداقل به صورت تک نگارانه آن، است و اثر اخیر سید وحید اختر درباره متفکران متقدم شیعی با وجود اینکه از لحاظ زمانی بر نوشته نیومن مقدم است، با ساختار تاریخی اثر نیومن برابری نمی‌کند.

فصل اول و دوم کتاب با عناوین مشابه «نظری بر بغداد»، اوضاع تشیع در قرن سوم را به طور کلی بررسی می‌کند. اساس کار نیومن در این دو فصل، تمایز بین بغداد و قم است و وی سعی دارد شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی بغداد و شهرهای ایران، به ویژه ری و قم را که محل سکونت شیعیان بوده، بررسی کند. در آن زمان بغداد مرکز رقابت عقاید و فرقه‌های گوناگون برای کسب قدرت و موقعیت در دستگاه خلافت بود. اما قرن سوم شاهد چندین بار غارت و ویرانی بغداد، تأسیس شهر سامرا و انتقال مرکز قدرت به آن، سلطه سپاهیان ترک و تجزیه سیاسی

قلمرو عباسیان بوده است. نویسنده، قرن سوم را «قرن شیعی» می‌نامد. در این زمان در بغداد شیعیان دوازده امامی در اقلیت بودند و بعضاً آزار و اذیت نیز می‌شدند و رهبران آنان ناگزیر به تقیه بودند. ولی شهر قم، شهری تقریباً مستقل و دورافتاده از مرکز خلافت، مرکز تشیع و دفاع از آن بود و مشتاقانه در انتظار ظهور امام زمان (عج) که مدتی پیش غیبت کرده بود، به سر می‌برد.

بغداد در اوایل به خصوص در اواخر قرن سوم شاهد بروز تضاد و رویارویی دستگاه خلافت و فرق شیعی و همچنین شخصیت‌های مشهور اصولی‌گرا بود. احیای تشیع و بروز اغتشاشات اجتماعی و بحران‌های اقتصادی و علاوه بر آن تجزیه سیاسی قلمرو عباسیان همگی به ظهور اخبارگری سنی با حمایت محافل تجاری و نظامی انجامید. در این میان نویسنده به نقش خاندان نوبخشی اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که در آستانه قرن چهارم، اتحاد بین معتزله و خلافت، با شیعیان عمدتاً به برخی از شخصیت‌های مؤثر از جمله برخی از صاحب‌نامان نوختیان بستگی داشت که برای سازماندهی اجتماع شیعی و توافق و کنار آمدن با قدرت سیاسی حاکم و پاسداری از منافع آینده اجتماع شیعی بعد از غیبت امام دوازدهم، تلاش می‌کردند.

فصل سوم با عنوان «کانون‌های مؤمنان»، موقعیت اسلام و به خصوص تشیع را در ایران، با تأکید بر شهرهای ری و قم، شرح می‌دهد. در قرن سوم عرب‌های ساکن ایران تا دورترین نقطه شرقی، حنفی مذهب بودند. نویسنده ادعا می‌کند که حدیث‌گرایی حنابله در ایران نتوانست با مذهب حنفی رقابت کند ولی مکتب شافعی با جذابیتی که در بین صوفیان کرامی و غیره داشت توانست رقیب جدی مذهب حنفی شود؛ هرچند نباید وجود خوارج را نادیده گرفت. سازماندهی و رواج تشیع

اهمیت احادیث امامان به عنوان منابع اصلی مراجعه در مسائل و مشکلات اعتقادی و عملی تأکید می‌ورزد. منابع احادیث المحاسن بر پایه اسناد آن از لحاظ جغرافیایی متنوع است. البرقی تقریباً ۲۸ درصد از احادیث خود را از پدرش نقل می‌کند و بخش اعظمی از احادیث المحاسن از افراد کوفی و بصری نقل می‌شود که نسب‌شان به کانون‌های پراکنده مؤمنان در ایران و عراق می‌رسد. شاید فقط المحاسن که مجموعه بزرگ و مفصلی از احادیث امامی بود می‌توانست یک جامعه محصور را برای حفظ ایمان و تلاش برای بقا تا زمان رجعت امام غائب، تشویق و ترغیب کند. به اعتقاد نویسنده، البرقی و احتمالاً رؤسای اشعری وی، در مواجهه با تقسیمات گوناگون در بین شیعیان و دشمنی مرکز خلافت با آنان، وظیفه داشتند نکات اصلی اعتقادی و عملی را بدان سان شرح دهند که امامان در زمان حضور خود در جامعه اسلامی تصریح می‌کردند. (ص ۶۰)

فصل پنجم، «بصائر الدرجات الصغار»، به شرح زندگانی و مضمون احادیث و شرایط سیاسی و اجتماعی شهر قم می‌پردازد. کمتر از یک نسل بعد از البرقی، محمدبن حسن بن فروخ قمی، معروف به الصغار (متوفی ۲۹۰ ق)، بصائر الدرجات خود را که مجموعه‌ای از ۱۸۸۱ حدیث درباره شیعه دوازده امامی بود تألیف کرد. الصغار یکی از یاران امام یازدهم و همانند البرقی از موالی قبیله اشعری بود. عنوان اصلی تألیف وی بصائر الدرجات فی فضایل آل محمد است. احادیث بصائر امامان را به صورت مالکان علم و قدرت خارق‌العاده مجسم می‌سازد. پیداست که قمی‌ها و مخصوصاً اشعری‌ها، دست کم در آن دوره، صحت این احادیث را قبول داشتند، هرچند که بعدها برخی از این احادیث جعلی و خالی از اعتبار دانسته شده است. به گفته نویسنده اگرچه بصائر در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و معنوی قم، این شهر شیعی، تألیف یافته، در توصیف ضرورت ایمان بسیار مفید بوده است در واقع در زمانی که قم با تهدیدهای شدید بغداد و مراکز سیاسی دیگر منطقه و همچنین با چالش‌های معنوی سایر گروه‌های شیعی از جمله اسماعیلیان و زیدیان روبه‌رو بود، تأکید احادیث بصائر بر علم خارق‌العاده و توانایی‌های شگفت‌انگیز امامان می‌توانست به قمی‌ها در لحظات سختی و ناتوانی قوت قلب ببخشد. الصغار درصد بیشتری از احادیث خود را از قمی‌ها و به خصوص اشعریان نقل می‌کند که در مقایسه با اثر البرقی بسیار بیشتر است.

سه فصل پایانی کتاب نشان می‌دهد که الکافی آشکارا مجموعه‌ای

در بین ایرانیان از زمان قیام مختار ثقفی به علل گوناگون بوده که اهم آنها بدین قرار است: مهاجرت‌های سادات حسنی و حسینی به ایران در پی شکست شورش‌های گوناگون علیه امویان و عباسیان؛ نقش داعیان اسماعیلی در گسترش تشیع؛ و سکونت امام علی بن موسی الرضا (ع) امام هشتم شیعیان در خراسان.

در این زمان ری که زادگاه کلینی بود، میان قدرت‌های سیاسی دست به دست می‌شد که خود از اهمیت منطقه حکایت دارد. بسیاری از یاران امام هفتم و هشتم عنوان «رازی» داشتند. ری در این زمان در مقایسه با قم با اهمیت‌تر می‌نمود. در زمانی که ری مرکز تاخت و تاز قدرت‌های سیاسی بود قم بهشت تشیع شناخته می‌شد. جغرافیدانان و مورخان در قرن چهارم از شیعی و عرب بودن قم خبر داده‌اند. عربی‌ها به خصوص قبیله اشعری بعد از شکست عبدالرحمان بن اشعث و حاکمیت حجاج بن یوسف به قم مهاجرت کردند. همراه با این عربی‌ها، موالی آنها نیز وارد قم شدند که برخی از آنان بعدها از محدثان بزرگ شدند. به نظر نویسنده سکونت مسلمانان عرب در قم باعث احیا و رونق مادی و معنوی قم بوده است. گرایش قمی‌ها به تشیع امامی و ظهور رهبران سیاسی و دینی از این شهر، قم «بهشت تشیع» امامی در قرن سوم را در مقایسه با سایر شهرها پراوازه‌تر ساخت. حکومت عباسیان نیز برای کنترل شهر و جمع‌آوری خراج از ساکنان آن، به دلیل سرپیچی قمی‌ها با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود.

فصل چهارم با عنوان «البرقی و سرچشمه‌های پیوند قمی - اشعری با حدیث» به طور خلاصه و در چند صفحه به زندگانی و شخصیت و بررسی آثار ابوجعفر احمدبن محمد بن خالد البرقی می‌پردازد. جداعلای البرقی، محمدبن علی، از طرفداران زیدبن علی بود که پس از قتل زید به دست یوسف بن عمر ثقفی، زندانی و سپس کشته شد. بعد از آن خانواده وی به روستای برق‌الرود - احتمالاً منطقه‌ای بین قم و اصفهان - گریختند. ابوجعفر را که مشهورترین فرد این خاندان بود، از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهماالسلام شمرده‌اند.

مشهورترین اثر وی، المحاسن، مجموعه‌ای از احادیث در موضوعات مختلف است. گستردگی و تنوع این موضوعات از قرآن، حدیث و فقه گرفته تا تاریخ و حکمت و اخلاق، نشانه رویکرد دایرةالمعارفی او در این اثر است. بخش‌های باقی مانده از المحاسن از علاقه مؤلف به تداوم ایمان و عمل، از زمان حضور امام در جامعه، حکایت دارد. کتاب بر موقعیت خاص امامان و پیروان آنان و نیز بر

داشته است، نباید بر ماهیت خارق‌العاده علم و شخصیت امامان تأکید داشته باشد. تأکید بر ماهیت عملی اجتماع شیعی یکی از بحث‌های مهم احادیث الاصول است. نیومن بر این عقیده است که نگارنده کتاب قصد داشته است براساس احادیث امامان درباره اعمال مؤمنان، ماهیتی خاص بر اجتماع شیعی و اعمال و رفتار فردی و اجتماعی آنان ببخشد که مؤمنان خود را از گروه‌های شیعی دیگر و اکثریت سنی بازشناسند (ص ۱۴۸). از این روست که نویسنده احادیثی را درباره جمع‌آوری خمس، گردآوری صدقات و نحوه توزیع آن و همچنین الزام شرکت در عبادات گروهی و به خصوص نماز جمعه، امر و نهی و مقابله با ظالمان می‌آورد.

به طور کلی بحث نیومن بر روی علم و توانایی خارق‌العاده امامان قابل تأمل است. پرسش این است که آیا تأکید محدثان اولیه بر روی دانش خارق‌العاده امامان و امامت، به معنای ضداصولی و غیرعقلانی بودن آنهاست؟ در حقیقت یکی از ویژگی‌های اغلب نوشته‌های متقدم شیعی تأکید بر روی قدرت و دانش خارق‌العاده امامان است و برخلاف آنچه که نیومن معتقد است به آثار تألیف یافته در قم منحصر نیست و آثار دیگری که همزمان با این سه مجموعه حدیث نگاشته شده‌اند نیز چنین ویژگی‌هایی دارند. به علاوه، تأکید بر روی قدرت خارق‌العاده امامان شاید به شدتی که نیومن با بزرگنمایی توصیف می‌کند نباشد. چنانچه خود وی نیز بیان می‌دارد که برخی از بزرگان قم که هم عصر صفار قمی بودند وی را به دلیل نقل احادیث افراطی و مشکوک از شهر اخراج کردند که نشانه توانایی آنان در تمییز حقایق و مجعولات از یکدیگر است.^۴

پی‌نوشت‌ها:

1. Succession to Muhammad
2. The Divine Guide in Early Shiism
3. rationalism
۴. در تهیه این مطلب از معرفی همین کتاب در مجله Journal of Islamic studies سال ۲۰۰۲ استفاده شده است.

قمی بوده که برای اجتماع امامی بغداد گردآوری شده بوده است. اسناد الکافی نشان می‌دهد که این تألیف بیش از دو اثر قبلی و تقریباً یکپارچه قمی بوده است. الکافی شامل ۱۶۱۹۹ حدیث است که تعداد ۳۷۸۳ از این احادیث در دو مجلد به نام الاصول، و حدود ۵۹۷ حدیث در هشت کتاب با عنوان الروضه گردآوری شده است که مجموعاً ۲۷ درصد کل احادیث را شامل می‌شود. می‌توان گفت احادیث الاصول و الروضه همانند بصائر به قدرت خارق‌العاده و نفوذ امامان که منابع علم‌اند اختصاص دارد. تقریباً سه چهارم باقی مانده احادیث الکافی درباره موضوعات فردی و اجتماعی و اعمال و رفتار مؤمنان، در چهار مجلد با عنوان فروع کافی در دسترس است. به گفته نویسنده، عقل در احادیث کلینی نخستین آفریده خداوند است که با تلاش بشری حاصل نمی‌شود. عقل عطیه الهی است که از طریق علمی که ائمه تعلیم می‌دهند انتقال می‌یابد. این علم می‌تواند بشر را به دانش راستین درباره شناخت برساند. بنابراین عقل و علم برای مؤمن ضرورتاً قرین یکدیگرند. عقل بدون علم امامان کافی نیست و بدون عقل نیز علم حاصل نمی‌آید (ص ۱۲۰). مبحث عقل و علم از مباحث محوری الکافی است در حالی که در المحاسن به ارتباط عقل و علم توجهی نشده است. احادیث کافی نشان می‌دهد که این محدث قمی فقط به منابع وحیانی علم، به گونه‌ای که در احادیث تجسم یافته است، تکیه می‌کند. در مقایسه امام‌شناسی و امامت در البصائر و الکافی، نظر نویسنده بر این است که احادیثی که در کتاب الصفار درباره علم و توانایی‌های خارق‌العاده ائمه آمده در شهری تألیف یافته که از یک سو در محاصره معاندین ضدشیعی بوده و از سویی در مقابل قدرت مرکزی قرار داشته است. از این رو این اثر برای تشویق و تحریض مؤمنان گردآوری شده است. ولی در بغداد به دلیل گسترش شورش‌های زنج و قرمطیان و چالش‌هایی که تشیع با آنها روبه‌رو بود کلینی و شلمغانی و امثال آنان نمی‌توانستند بر روی احادیثی که الصفار نقل کرده بود تأکید کنند. نویسنده در مقایسه‌ای درباره احادیث الصفار و کلینی درباره آگاهی امام از مسائلی چون قضا و قدر، اطلاع از زمان شهادت خویش و وجود کتب و مصحف‌های خاص نزد امامان و جز اینها، تعداد این‌گونه احادیث کلینی را بسیار کمتر از الصفار می‌داند و آن را ناشی از محیط زندگانی و جو سیاسی حاکم بر محافل نگارش اثر می‌داند.

کلینی به گرایش‌های اخباری‌گرایان قم و به خصوص الصفار انتقاد می‌کند که در جامعه‌ای که زیر فشارهای نظامی و سیاسی و مذهبی قرار